

■ صفحه گام دوم انقلاب کوششی است رسانه‌ای جهت تبیین و شرح بیانیه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)به‌مناسبت چهل‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب و در هر شماره، فرازی از بیانیه گام‌دوم انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.
شنبه‌های هر هفته در تبیین این بیانیه با ما همراه باشید.

قدم به قدم با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی(۵)

فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها



تحلیل محسن کاکی

■ **ماهیت پویای نظام اسلامی**
انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی برآمده از آن ماحصل اجتهاد پویای اسلامی و تجربه‌ای تاریخی به در ازای ۴۰۰ سال است.اندوخته‌هایی از پیروزی و شکست از صدر اسلام و در تاریخ معاصر کشور که ذهن یک فیلسوف و فقیه زمان‌شناس و مدیر را در قامت مرجعی جامع‌الشرایط برانگیخت‌و در درک متقابل رهبری و مردم به انقلاب‌اسلامی منجر شد.آن روز که انقلاب‌اسلامی واقع شد کشور در مسیر اصلاحات امریکایی در حرکت بود. بساط عیش لیبرالی به شدت فراهم بود و هدم مظاهر دینی به سرعت در حال وقوع بود. انقلاب‌اسلامی که نیروی محرک‌های جز مردم نداشت نه از رادیکالیسم، سنت گرای و بنیادگرایی که از مسیر آزادی‌های افسارگسیخته لیبرال به سمت انقلاب اسلامی تغییر مسیر داد.

پس از آن تا تمام مظاهر بی‌دینی و اقطاب آن روز یعنی ده‌ها کشور شرقی و غربی به مقابله برخاست و در تمام این حوادث نه تنها عقبنشینی نکرد و شکست نخورد که بر

اصول اولیه و اساسی انقلاب بیش از پیش پافشاری کرد. بنابر این انقلاب اسلامی و قدرت جمهوری اسلامی نتیجه پیروزی بر لذت‌طلبی و سبک زندگی غربی و شرقی است که در مقیاس یک ملت ایجاد شده‌است. بنابر این به شدت بر مسیرهای چپ و راست حساس است و از آنها دوری گزیده است. این نکته نشان می‌دهد که نظام و مردم هرگز در مسیر تحجر و بی‌مبالاتی نسبت به اصول خود قرار نگرفته‌اند، زیرا هم تجربه‌ای تلخ از استبداد دارند و هم اندوخته‌ای سخت از استعمار همه‌جانبه. این نکته بخشی از پویایی ملت با تجربه ایران به رهبری مرجعیت پویای شیعی است.

■ **جمهوری اسلامی؛ چرا ایماند و چگونه بماند؟**
بر این اساس مشروعبت جمهوری اسلامی متکی بر رهبری

در جهت کرامت انسانی، حفظ ارزش‌های دینی، سعی برای ایجاد برابری و برادری، اخلاق و ایستادگی در برابر نفوذ دشمن است.نتیجه این هویت حقیقی، نظامی حقوقی است که برونداد این شخصیت است و آن نیز غیر قابل تفسیر و تأویل بوده و از محکمات انقلاب‌اسلامی و جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.از این رو هفتی استعمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت‌ها از جانب قدرت‌های سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط و نفی سکولاریسم اخلاقی و اباحی‌گری، نفی‌های قطعی جمهوری اسلامی ایران هستند و اثبات هویت ملی و ایرانی، ارزش‌های اسلامی، دفاع از مظلومان جهان و تلاش برای فتح قله‌های علم و دانش، اثبات‌های جمهوری اسلامی ایران است که بر این اثبات‌ها پافشاری نیز می‌شود.»

نتیجه حفظ این شخصیت حقیقی و حقوقی نیز آن است که در طول چهار دهه گذشته در نسبت میان انقلاب اسلامی و جبهه استکبار، این نظام اسلامی است که به‌وضوح نیزمقدرتر و مقتدرتر شده‌است و جبهه دشمن نیز نسبت به گذشته ضعیف‌تر شده و شکست‌های بیشتری از انقلاب اسلامی خورده‌است. این موضوع نمایانگر این نکته است که حفظ اصول و هویت انقلاب‌اسلامی ضامن بقا و پشرفت آن است و هر گونه تخطی از اصول و آرمان‌ها مضرات بسیاری بر کشور تحمیل می‌کند.

■ **طرح نوین جمهوری اسلامی**

از سوی دیگر انقلاب‌اسلامی ایران به اعتراف همه نظریه‌پردازان انقلاب در مکاتب مختلف مارکسیستی، ساختارگرایی و حتی پست‌مدرنیستی پدیده‌ای خارق‌عادت محسوب می‌شود و موجب به وجود آمدن نسل چهارم نظریه پرداز ی‌ها در حوزه انقلاب تحت عنوان «نظریات فرهنگی» شد. هر چند این نظریات نیز نمی‌توانند به طور



مقدمه

«جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در ۴۳ سال گذشته در مواردی بارها طی شده‌است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن ، دانا و پرتانگیز، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.»

(بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

مقدمه

سیاسی حکومت کرده و معنویت جایگاهی در حاکمیت ندارد. این مهم تا بدینجا گسترش می‌یابد که فردی همچون ترامپ- که دارای پرونده‌های عدیده فساد اخلاقی است- می‌تواند به عنوان ریاست جمهوری یک کشور دست یابد. بنابراین پرداختن به ایده نو در حاکمیت حتماً مقضیات خاصی خود را می‌طلبد.

به بیان دیگر انقلاب‌اسلامی و تحقق حاکمیتی آن یعنی جمهوری اسلامی در بدو شکل‌گیری و طول استمرار هرگز اصول خود را بر سیاق اندیشه‌های مارکسیستی و لیبرالیستی استوار نکرد و مبنای آن شریعت اسلام و مند اجتهادی پویای شیعی بوده‌است. به دلیل همین طرح نو، بازه اجرای ایده‌ها حتماً بیش از حد معمول طول خواهد کشید، چه اینکه هیچ تجربه پیشینی فراوی انقلاب اسلامی برای تحقق مینایش وجود نداشته‌است. جمهوری اسلامی در زمانه‌ای تشکیل حکومت می‌دهد که اکثریت کشور‌های جهان به جهت وابستگی به بلوک شرق یا غرب، تجربه زیست سیاسی مستقل را ندارند. چار‌چوب‌ها و اسلوب کشور اعم از نوع و مدل حکومت کاملاً نوین و اختصاصی است. ملاک انتخاب کارگزاران با ملاک‌های سایر کشور‌ها متفاوت است و نپادهای برآمده از انقلاب‌اسلامی در هیچ‌جای جهان سابقه ندارد. بسیج مستضعفین، شورای نگهبان قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و … همه از ایده ناب معنوی انقلاب اسلامی سرچشمه می‌گیرد. این در حالی است که جهان غرب تجربه بیش از ۲هزار ساله از یونان و روم باستان را در نهادسازی و متدهای حاکمیت در برابر خود دارد.

اما آیا ایده انقلاب اسلامی با مدل‌های غربی و شرقی منطبق بود و آیا کمترین این همنامی میان آنها وجود داشت؟ آیا دموکراسی‌های یونانی یا الیگارشی‌های روم باستان، منطق کلیسا در حکومت یا اومانیسم، سکولاریسم و ایندوپدیدولیسیم رنسانسی در کنار برداشت‌های مدرن و پست‌مدرن که دیگر نسبیّت راه هم نسبی می‌فهمد می‌توانست چراغ راه انقلاب اسلامی ایران برای تشکیل و تداوم باشد؟ آیا تجربه‌های مارکسیستی و لیبرالیستی انسان شرقی و غربی را به سعادت رسانده است و استعداد روح الهی او را از مشرب فکری و عملی خود سیراب کرده است؟ آیا انسانیت در غرب و شرق روز به روز در حال پیشرفت است؟ و اگر این گونه نیست پس منطقی است که انقلاب اسلامی در ایده و عمل جانب احتیاط را از فروافتادن در دام اندیشه و تجربه شرقی و غربی نگه دارد. به علاوه اگر مردم در ایران معتقد به تقلید از مدل غربی در ادار به کشور بودند، امکان آن در رژیم پهلوی بیش از هر جای دیگر در دنیا فراهم بود.

■ **عوامل مؤثر بر فاصله ایده تا اجرا**

بنابراین دراندازی ایده نو برای جمهوری اسلامی عملی عقلانی، شرعی و عرفی در انقلاب اسلامی بوده است. اما پس از آن تحقق و عینیت‌بخشی به این ایده است که موضوعیت می‌یابد. در واقع ایده‌هایی که جرئت خروج از عالم قرار زاینز نیايند هیچ‌گاه مورد قضاوت قرار نمی‌گیرند و ایده‌هایی که محقق شده‌اند نیز همواره مورد از زبانی و نقد قرار گرفته‌اند. ایده جمهوری اسلامی نیز برای تحقق به دلیل آنچه در بالا آمد، نیازمند چهار عنصر زمان ، کارگزار، شرایط درونی و عوامل اثر گذار بیرونی است.

عنصر زمان: شدت عمق ایده و ذهنی بودن و فلسفی بودن آن بر طول دوران جنینان برای تولد می‌افزاید. هر چه ایده معنوی تر و عمیق‌تر باشد در ک عمومی از آن به تعویق می‌افتد. یافتن کارگزارانی برای اجرا و تحقیقات نیز سخت‌تر می‌شود. چه اینکه فهم همگان از مفاهیم تارسیدنشان به مصداق یکسان نیست و این گردنه‌های نظری می‌تواند تحقق و اجرا را به تأخیر بیندازد. به طور مثال مفهوم عدالت در محیط مارکسیستی کلمه یا برداشت لیبرالی از آن سابقه‌ای دارد که در طول بیش از دو قرن به آن پرداخته شده‌است. اما مفهوم عدالت در شریعت اسلام به دلیل مطرح نبودن آن برای رسیدن به حوزه اجرا نیازمند بازه زمانی طولانی است که گذر از آن، زمانی طولانی می‌طلبد. بنابر این هر چند تلاش بسیاری برای تحقق عدالت اسلامی در ایران صورت گرفته‌است، اما انتظار اجرای آن در مدت زمان کوتاه خالی از انصاف است.

عنصر کارگزار: بخش مهمی از طی مسیر ایده تا واقعیت مربوط به کارگزار است. اعتقاد کارگزار به ایده، معرفت

او به آن، توان اجرایی و عملیاتی او در کنار برهیز از هر گونه حاشیه‌ای که او را از عالم ایده و نظر دور می‌کند در این مسیر حیاتی است. در ایده جمهوری اسلامی نیز، بخشی سیاسی از عواملی هستند که خارج از دسترس سه عامل دیگر

و سستی آفت‌هایی است که می‌تواند تحقق ایده را به تأخیر بیندازد.

عنصر شرایط درونی: بی‌تردید بخش اعظمی از فاصله میان ایده تا اجرا مربوط به شرایط درونی جامعه است.

در باب جمهوری اسلامی شرایط درونی همچون وضعیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور مثل وابستگی

۹۰ درصدی خود به وابستگی صنعتی تمام و کمال به خارج در انتهای رژیم پهلوی از مهم‌ترین عوامل تعویق ایده برای تحقق است.

عنصر عوامل بیرونی: بخش دیگر از فاصله میان باید‌ها تا واقعیت مرتب با عواملی است که از دسترس کارگزار اجرا، نفس ایده یا شرایط داخلی خارج است. در ایده جمهوری اسلامی، جنگ تحمیلی یا نوع مواجهه غرب با شرق با ایران و تحریم‌های شدید اقتصادی، نظامی، و حتی سیاسی از عواملی هستند که خارج از دسترس سه عامل دیگر بوده و بر افزایش فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها افزودند.

نکته مهم اینکه فرصتی که ایده‌های دیگر سیاسی و فرهنگی در دنیا برای تحقق خود داشته‌اند در شرایط محیطی و داخلی بسیار بهتر از ایران همواره بیش از یک قرن طول کشیده‌است. ایده جمهوری اسلامی اما با وجود عنصر نسبتاً کوتاه خود و وابستگی بر سر اصول اولیه مسیره‌های بسیار طولانی در راه اجرا در آن زمان‌های کمتری نسبت به ایده‌ها و بایدهای رقیب در جهان طی کرده است. به علاوه اینکه نفس اجرا و تحقق خارجی همواره از سطح شفافیت و خلوص ایده می‌کاهد.

قدرت‌های مسلط بر آن فرهنگ و ظاهر شعائر دینی و مسائل دینی دم‌دستی اینجوری نشود، نظام اسلامی باید به معنای واقعی کلمه نظام جمهوری اسلامی تقبلی نخواهند برای مادرست کنند؛ کاری که در ۱۰سال گذشته هم بعضاً کارکافی انجام گرفت، اما خدای متعال مهار کرد، مردم بیدار بودند، هشیار بودند، اجازه ندادند. می‌خواستند کارهایی بکنند، شعارهای امام را به موزه بسیارند؛ صریحاً می‌گفتند که اینجا کهنه شده‌انه، شعارهای انقلاب کهنه شدنی نیست؛ همیشه تازه است، همیشه برای احاد مردم جذاب است، شعاری که به نفع مستضعفین است، شعاری که به نفع عزت ملی است، شعاری که در آن مقاومت و ایستادگی است، این شعارها هیچ وقت کهنه نمی‌شود؛ برای عیب ملتی کهنه نمی‌شود، برای نظام ما هم کهنه نخواهد شد.»

حفظ صورت نظام و انقلاب در گفت‌مان رهبر انقلاب اشاره شده است. بخش دوم کتاب به معرفی سیرت انقلاب اسلامی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است، اما مهم‌تر از آن حفظ سیرت و باطن انقلاب است. به همین خاطر امام اختصاص یافته است. بخش دوم کتاب به هشت رکن اساسی اشاره شده است. بخش دوم کتاب به معرفی سیرت انقلاب و ارکان آن اختصاص یافته است و از آنجا که اهمیت حفظ سیرت به مراتب بیش از صورت آن است، حجم بیشتری از کتاب را دربر دارد.

فصل اول کتاب به شاخص‌های سیرت انقلاب پرداخته است. در بیان رهبر انقلاب شاخص‌های سیرت انقلاب معرفی شده است، بنابراین این فصل به شرح اصول خط امام اختصاص یافته است.

فصل دوم کتاب مطالبی با موضوع اهمیت حفظ سیرت

انقلاب را دربر دارد.

در فصل سوم با عوامل ماندگاری سیرت انقلاب و در فصل

چهارم با عوامل آسیب‌زای سیرت انقلاب آشنا می‌شویم.

صورت و سیرت انقلاب اسلامی

به کوشش : محمد رضا حاجی انزهایی

ناشر : انتشارات انقلاب اسلامی

تعداد صفحه : ۳۶۰

بیشتر خواهد کرد.»

انقلاب اسلامی و نظام اسلامی، مثل هر موجود زنده‌ای کالبدی دارد و جان و روحی. وقتی که دشمنان انقلاب از انسقاط کالبد و بیکره ظاهری آن با استفاده از اقدامات سخت‌نأمید شدند، توطئه جدیدی را آغاز کردند که به مراتب خطرش بیشتر بود و آن جنگ نرم با روح و جان جمهوری اسلامی بود.

گذشته از دشمن بیرونی، خود انقلاب‌ها نیز نیازمند مراقبت دائمی هستند تا از اهداف خود منحرف نشوند. تجربه تلخ انحراف بسیاری از انقلاب‌های بشری، زنگ خطر را برای علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی به صدا درمی‌آورد. وقتی ادیان بزرگ از تحریف و انحراف در امان نمانده‌اند، حساب دیگر نهضت‌های انسانی معلوم خواهد شد. در ۲۰۰ سال اخیر، چند انقلاب بزرگ در جهان رخ داده است که همه این انقلاب‌ها از اهداف اولیه خود دور افتاده‌اند. انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب الجزایر، نهضت مسلمانان هندوستان و بیداری اسلامی در برخی از کشورهای منطقه از این دست انقلاب‌هاست. انقلاب اسلامی چون زنده است، نیازمند آسیب‌شناسی